

مطالعه و بررسی اهمیت منطقه استراتژیک خلیج فارس در شکل‌گیری ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

عیسی بسطامی^۱
مسعود شادمان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۲۱

چکیده

عطش آن برای دستیابی به سواحل وسیع و منابع غنی خلیج فارس از جمله انگیزه‌های اصلی این رژیم برای آغاز جنگ با ایران بود. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و تغییرناپذیر بودن مؤلفه‌ها و عوامل مربوطه، سیاست خارجی این کشور همواره بر پایه چالش‌ها و تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور طراحی و ترسیم می‌شود؛ بنابراین تفاوتی بین رویکرد خارجی دولت‌های گذشته، حال و آینده این کشور وجود ندارد و تنگناهای ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی به آب‌های آزاد همواره به‌عنوان یکی از تهدیدهای بالقوه برای امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران باقی خواهد ماند. نیاز به هوشیاری و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری و یا رویارویی در مقابل این پیش‌آمد احتمالی از سوی مسئولین کشور از جمله راهکارهای ارائه شده در این مقاله است.

جغرافیا و ژئوپلیتیک از جمله عواملی هستند که نقش انکارناپذیری در وقوع جنگ‌ها ایفا می‌کنند. دولتمردان برخی از کشورها برای تغییر وضعیت محدودیت‌های ژئوپلیتیکی سرزمینی خود، غالباً دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند. ایران چندین بار به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکش هدف توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار خود قرار گرفته است. تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ تحمیلی هشت‌ساله را می‌توان آخرین مورد توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار عنوان کرد. این مقاله با استفاده از روش اسنادی و تکنیک‌های فیش‌برداری و تحلیل محتوا به بررسی تأثیر وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس و نقش آن در شکل‌گیری تجاوز کشور عراق به خاک ایران پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرچند برای وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله، علل و عوامل مختلفی وجود داشته، اما اختلافات مرزی، توسعه‌طلبی ارضی حکومت عراق و

کلیدواژه

خلیج فارس؛ جنگ تحمیلی؛ وضعیت ژئوپلیتیکی عراق؛ سیاست خارجی عراق؛ اروندرود.

۱. دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان ایلام (نویسنده مسئول). eisa.bastami@yahoo.com
۲. دکترای تاریخ روابط بین‌الملل، پژوهشگر و سرپرست بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان ایلام. mbaa4852@gmail.com

مقدمه

می‌توان آخرین مورد توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار عنوان کرد؛ تجاوزی که هرچند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشت، اما تا اندازه زیادی، از توسعه‌طلبی و جاه‌طلبی عراق سرچشمه می‌گرفت. این کشور به‌منزله کشوری که بیشترین مرز زمینی را با ایران دارد با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک نامناسبی که به‌ویژه در دسترسی به سواحل خلیج فارس از آن برخوردار است و تنها مسیر دسترسی آن به خلیج فارس نیز در حاکمیت مشترک با ایران قرار دارد، همواره ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ای را نسبت به ایران مطرح کرده است. به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فترتی که در مرحله گذار از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی در کشور پدید آمد، حاکمان بغداد ترغیب شدند تا به توسعه‌طلبی‌های خود درباره ایران جامه عمل بپوشانند؛ بنابراین، جنگ خانمان‌سوزی را که به مدت هشت سال طول کشید و خسارت‌ها و خرابی‌های بی‌شماری را برجای گذاشت، پی‌ریزی کردند (موسوی، ۱۳۸۲: ۵۳).

از نظر علمی، خلیج فارس یکی از عناوین جغرافیای تاریخی ایران زمین است. در واقع دریای پارس یا خلیج فارس، دریای داخلی ایران بوده است (اقتداری، ۱۳۹۶: ۹). خلیج فارس در حاشیه غربی اقیانوس هند، مابین شبه‌جزیره عربستان و جنوب شرق ایران واقع شده است (طلوعی، ۱۳۷۰: ۳۶). مساحت این آبراهه ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع و طول آن از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد، قریب به هزار کیلومتر است (مشکور، ۱۳۵۳: ۵). این دریا در گذشته بین سواحل شمالی خلیج فارس؛ بوشهر، هرمزگان، خوزستان، فارس و سواحل جنوبی خلیج فارس که امروز دولت‌های قطر، کویت، امارات سلطان‌نشین مسقط و عمان، امارات متحده عربی، ابوظبی، بحرین، یمن و سواحل شمالی عربستان؛ یعنی لِحساء یا الاحساء را تشکیل می‌دهند، قرار داشته است (اقتداری، ۱۳۹۶: ۹).

وجود منابع عظیم نفتی، گازی و دیگر منابع در خاورمیانه

عامل جغرافیا و ژئوپلیتیک نقش انکارناپذیری در وقوع جنگ‌ها ایفا می‌کند. دولتمردان کشورهایایی که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند، برای تغییر این وضعیت، غالباً دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند و کشور ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکش، همواره از این ویژگی تأثیر پذیرفته است. ایران همواره در طول تاریخ، گاهی به‌منزله پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب و زمانی، به‌منزله گذرگاهی برای اقوام و قبایل بدوی شرق مورد تجاوز و حمله کشورهای هم‌جوار قرار گرفته است؛ حملاتی که همواره خسارت‌های جانی و مالی سنگینی را برای این کشور به همراه داشته و یکی از موانع شکل‌گیری زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای تشکیل حکومت‌های مقتدر بوده است.

در عصر جدید نیز، ایران چندین بار به دلیل داشتن ویژگی‌های ژئوپلیتیک، هدف توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار خود قرار گرفته است. در این دوران، در مرزهای شمالی، روسیه در مقام کشوری قدرتمند، به دلیل عدم دسترسی به آب‌های گرم، بر اساس وصیت‌نامه پترکبیر، ایران را به‌منزله مناسب‌ترین مسیر برای رسیدن به دریاهای آزاد، هدف توسعه‌طلبی خود قرارداد و این سیاست را تا آستانه تجزیه کشور پیش برد و در نهایت نیز، بخش‌های وسیعی از مناطق شمالی را از این کشور جدا نمود. در مرزهای جنوبی نیز، به دلیل حضور قدرت‌های استعمارگر همچون پرتغال و انگلیس، تعدادی از جزایر و متصرفات متعلق به ایران از این کشور جدا شد (موسوی، ۱۳۸۲: ۵۳). بی‌ثباتی قلمرویی یکی از ویژگی‌های دائمی و مستمر بخش‌های شمالی خلیج فارس است و مناقشات مرزی ایران با عراق و امارات متحده عربی از جمله مواردی است که همیشه در صدر رقابت‌های ایرانیان و اعراب قرار داشته است (اسکوفیلد، ۱۳۷۷: ۴۲).

تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ هشت‌ساله را

تحقیق دست‌یابی به چگونگی و چرایی تأثیرگذاری منطقه خلیج فارس و حوزه‌های پیرامون آن در ایجاد انگیزه در تجاوز عراق برای تصرف این منطقه و شکل دادن به جنگ هشت‌ساله ایران و عراق است.

چهارچوب نظری

انسان در طول تاریخ موجودیت خویش همواره بر بستر ناامنی زندگی کرده و با انواع خطرات هم‌نشین بوده است. در این بین پدیده‌های مختلف جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی نقش بسزایی در تهدید او ایفا کرده‌اند. جغرافیا، اعم از محیط فیزیکی و غیر فیزیکی آن طیف وسیعی از تهدیدها را در خود جای می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). اساساً موقعیت عبارت است از: چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است. درحالی‌که موقعیت عمومی در مقیاس قاره‌ای، جهانی و منطقه‌ای تقسیمات دیگری دارد و از اهمیت زیادی برخوردار است. موقعیت ریاضی یا خصوصی در مطالعات ژئوپلیتیکی کمتر بررسی می‌شود. اگرچه نمی‌توان به سهولت تأثیر و نفوذ این عوامل جغرافیایی را به‌طور دقیق و مطلوب در سرنوشت افراد و دولت‌ها تعریف کرد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که حدود شرکت و فعالیت هر کشور در امور بین‌المللی، اغلب به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن کشور با همسایگان خود - اعم از کشورهای قدرتمند و ضعیف - و همچنین مناسباتش با دولت‌های بزرگ جهانی بستگی دارد (عزتی، ۱۳۸۱: ۷۸).

مصادق این موضوع ایران است که به دلیل واقع شدن در چهارراه ارتباطی دنیا، در طول تاریخ مورد علاقه قدرت‌های جهانی بوده و این موقعیت استراتژیک همیشه دولت مرکزی را متأثر کرده است، همچنان که در دو جنگ جهانی علی‌رغم اعلام بی‌طرفی به‌طور ناخواسته مورد تهاجم و اشغال متفقین قرار گرفت. با

به‌خصوص در حوزه خلیج فارس و تأثیر این منابع بر اقتصاد و تولید جهان باعث شد که حوزه خلیج فارس همواره سرزمینی محکوم به وجود جنگ باشد. اهمیت اقتصادی، ارتباطی و نظامی خلیج فارس در طول تاریخ، عامل مهمی در توجه قدرت‌های بزرگ برای دست‌یابی به این منطقه استراتژیکی بوده است. از جمله اهداف تجاوز عراق به ایران نیز تصرف منطقه نفت‌خیز خوزستان به‌عنوان بخشی از منطقه خلیج فارس و به‌تبع آن دسترسی به آب‌های آزاد بوده است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که شاخاب خلیج فارس چه نقشی در تجاوز کشور عراق به ایران داشته است؟

اهمیت و اهداف تحقیق

بررسی و شناسایی منابع قدرتمند طبیعی موجود در منطقه خلیج فارس و استان‌های پیرامون آن می‌تواند به‌عنوان یک عنصر معرفت‌شناسی در جهت جلوگیری از به‌هدر رفتن این منابع و همچنین جلوگیری از هرگونه تهدیدهای احتمالی خارجی برای دستیابی به این منطقه مهم باشد. از سوی دیگر بررسی و کشف عوامل واقعی بروز جنگ به‌صورت علمی می‌تواند زوایای کور و پنهان آن را آشکار نماید و به‌عنوان یک پتانسیل قدرتمند در جلوگیری از بروز جنگ‌های احتمالی دیگر عمل نماید. به همین سبب مطالعه و بررسی این منطقه از ایران به‌عنوان تأمین‌کننده اقتصاد کشور از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و این ضرورت را ایجاد می‌کند که پژوهشگران حوزه‌های مختلف هرکدام به سهم خویش به مطالعه این بخش از کشور بپردازند.

اهداف مهم تحقیقات علمی و اجتماعی غالباً کشف و شناسایی عوامل ایجادکننده یک مسئله اجتماعی است که از طریق شناسایی آن عوامل، اداره‌کنندگان یک جامعه قادر به پیشگیری از تکرار آن مسئله یا از بین بردن ریشه‌های ایجاد آن مسئله باشند. دلایل بروز جنگ به‌عنوان یکی از پدیده‌های مخرب اجتماعی در طول تاریخ بشر همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هدف اصلی این

گذاشتند. بنیان‌گذاران این نظریه رابطه انسان با طبیعت را مورد توجه قرار دادند. آنها به بررسی تأثیر آب و هوا، هندسه زمین و توپوگرافی و منابع طبیعی بر تمدن‌ها می‌پرداختند. در واقع، افرادی مانند راتزل رشد تمدن‌های برتر را معلول شرایط اقلیمی مساعد می‌دانستند. به نظر آنها، انسان همواره درگیر مبارزه برای دستیابی به فضای وسیع‌تری برای زندگی است. این باور بعدها، در قالب اصطلاح لئوسروم^۳ (فضای حیاتی) جزئی از اندیشه هاوسهوفر^۴ شد. به اعتقاد وی، پهنه اراضی کشورها جایگاه قدرت آنها را مشخص می‌کند و کشورها می‌کوشند تا مرزهای خود را گسترش دهند، ضمن آنکه گرایش به توسعه‌طلبی ارضی، در کشورهای قدرتمند شدیدتر است؛ از این رو، مرزها پیوسته در معرض تغییرند. بدین ترتیب، این مرزهای پویا به حوزه منازعه کشورها شکل می‌دهند. در متون ژئوپلیتیک آلمان در قرن حاضر، مرزها یا مرزهای پویا حفاصل مناطقی شناخته می‌شوند که توسعه‌طلبی موقتاً در آنها متوقف شده است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۱۱۹).

باید یادآور شد که نظریه‌های هاوسهوفر اساس بسیاری از تصورات هیتلر را در مورد توسعه‌طلبی نازی‌ها تشکیل می‌داد و نظریه زیستی وی درباره مرزها، جزء مهم دیگر اندیشه ژئوپلیتیک آلمان بود. طبق این نظریه، کشورها می‌کوشند تا به مرزهایی دست یابند که متضمن منطقه‌ای با جمعیتی پراکنده باشد، یعنی منطقه‌ای که خارج از فضای حیاتی است و کشوری را از کشورهای مجاور جدا می‌کند (همان: ۱۲۱).

در مقابل افرادی مانند راتزل و هاوسهوفر که ویژگی‌های ژئوپلیتیکی را مهم‌ترین عامل برای راه‌اندازی جنگ‌ها در

تمام تحولات انجام شده در امر فناوری و ارتباطات، تجارب جنگ‌های گذشته این نکته را ثابت کرده که هرگاه کشور دارای یک موقعیت ژئواستراتژیک باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهانی دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد؛ زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به‌عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور و ملت خود گام بردارد (همان: ۸۱).

جنگ، در دنیایی که دولت‌ها وسایل اعمال خشونت نظامی را در اختیار دارند، صرفاً احتمالی است که همیشه وجود دارد. اگرچه رویدادهایی که به درگیری جنگ شتاب می‌دهند بسیار گوناگون هستند، اما جنگ هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند و اختلافات آنها نمی‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیز از طریق مذاکره، قرارداد یا دیپلماسی حل شود. ممکن است حکومتی به دلیل تمایل در به دست آوردن بخشی از قلمرو یا تمامی قلمرو دولت دیگر، یا به دلیل مبارزه بر سر منابع (مانند کنترل یک راه دریایی عمده) و یا در نتیجه برخوردهای ایدئولوژی یا مذهبی به جنگ پردازد. برای جنگ «فقط» یک علت وجود ندارد. جنگ آزمون نهایی قدرت در عرصه بین‌المللی است. کارل فون کلاسویتس^۱، مشهورترین نظریه‌پرداز جنگ و متفکر آلمانی قرن نوزدهم، این نکته را چنین بیان کرده است:

«جنگ صرفاً یک عمل سیاسی نیست، بلکه یک ابزار سیاسی واقعی نیز هست، ادامه پده بستان سیاسی، اجرای همان هدف با وسایلی دیگر است» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۸۴-۳۸۳).

در قرن نوزدهم، جغرافی‌دانانی مانند فریدریش راتزل^۲، مفهوم جغرافیای سیاسی را در آلمان بنیان

3. Lebensraum
4. Karl Haushofer

1. Carl von Clausewitz
2. Friedrich Ratzel

۳. تغییر مسیر رود مرزی در اثر عوامل محیطی؛
 ۴. نحوه تعیین مرزها در رودها و دریاچه‌های مرزی قابل کشتیرانی؛
 ۵. نحوه استحصال رودی که از کشور دیگر وارد کشورها پوتیتکا می‌شود؛
 ۶. وجود گروه‌های اقلیت؛ در اینجا نیز هاگت ۴ نوع مشاجره را نام می‌برد که تحت تأثیر این ویژگی‌ها امکان بروز می‌یابد:
 ۱. ۶. وجود یک اقلیت زبانی در مرزهای کشور که کشور دیگر نسبت به آنها ادعاهایی دارد؛
 ۲. ۶. وجود اقلیتی که در دو سوی مرزها مستقر هستند؛
 ۳. ۶. رمداران کوچ‌نشین که مراتعی در دو سوی مرزها دارند؛
 ۴. ۶. وجود اقلیت‌های مختلف درون یک کشور می‌تواند عامل بروز مشکلات بین‌المللی و یا داخلی برای کشورهای پوتیتکا باشد.
- همچنین وجود منابع مهم از دیدگاه بین‌المللی در یک کشور، از جمله منابع مواد اولیه (مثل نفت یا اورانیوم) و یا حتی اماکن شاخص فرهنگی و مذهبی (مثل بیت‌المقدس)؛ تلاش یک کشور برای حفظ موقعیت و قدرت خود از طریق گسترش فضای حیاتی مورد نیاز خود، مثل ادعاهای عراق بر جزایر کوبیتی «وربه» و «بویان» برای حفظ موقعیت این کشور در مقابل تهدیدهای ایران؛ منابع متغیر تنش در روابط بین‌الملل مثل منازعات موجود بر سر باروری ابرها نیز از جمله دلایل وقوع جنگ‌ها هستند.
- واضح و مسلم است که شرایط مختلف می‌تواند بر پیشرفت یا وخامت رویارویی‌های قلمرویی بین کشورهای همسایه تأثیر متفاوتی برجای گذارد. در زمینه مرزهای بین‌المللی و روابط بین دولت‌ها سه دیدگاه عمده وجود دارد که توجه بدان ضروری است. پژوهشگران علوم اجتماعی مدت‌های مدیدی است که در مورد این موضوع که آیا اصولاً

نظر می‌گرفتند، دیدگاه دیگری نیز از سوی افرادی مانند جان هابسون^۱ که بیشتر از اندیشه‌های مارکس الهام می‌گیرد مطرح شده است که عامل اصلی بروز جنگ‌ها را انگیزه‌های اقتصادی می‌داند و راه‌اندازی جنگ‌ها را برای تصاحب منابع طبیعی یا به دست آوردن بازارهای مصرف تفسیر می‌کند. برای نمونه، به اعتقاد هابسون، وقوع جنگ بوئرها در آفریقای جنوبی تنها برای به دست آوردن الماس از این کشور بوده است (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۰). نظریه‌های جنگ‌طلبانه‌ای، مانند نظریه فضای حیاتی دستاویز مناسبی برای دیکتاتورهای جاه‌طلب، مانند هیتلر، موسولینی و صدام برای راه‌اندازی جنگ‌های خانمان‌سوز بود و به جاه‌طلبی این نوع حکام چهارچوب علمی می‌بخشید.

- پیتر هاگت^۲ آن دسته از ملاحظات و عوامل جغرافیایی را که باعث بیشترین تنش بین کشورها می‌شوند در یک مدل فرضی ارائه داده است (هاگت، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۷۲). وی در کتاب «جغرافیا ترکیبی نو» با ارائه فهرستی از منابع تنش جغرافیایی میان کشورها مدل خاصی را برای بررسی میزان تنش‌پذیری یک کشور فرضی ارائه داده است. در مدل هاگت برای یک کشور فرضی (کشورهای پوتیتکا)^۳ تعداد متعددی منبع تنش جغرافیایی را می‌توان در نظر گرفت که هرچه تعداد بیشتری از این منابع تنش موجود باشند احتمال بروز درگیری میان این کشور و همسایگانش افزایش می‌یابد. منابع مختلف ایجاد تنش جغرافیایی بین کشورهای پوتیتکا از نظر هاگت عبارتند از:
۱. اولین مشکل کشورهای پوتیتکا «محصور بودن در خشکی» است که در نتیجه آن این کشور برای دستیابی به آب‌های آزاد جهان نیازمند وجود معاهدات ترانزیتی خاصی با همسایگان خود است. ۲۰ درصد کشورهای جهان از جمله عراق از این مشکل رنج می‌برند؛
 ۲. نحوه استفاده از مرزهای آب‌پخشان؛

1. Hobson John
2. Peter Haggett
3. Hypothesica

وجود دارد که معتقد است این دولت‌ها هستند که در پذیرش و تطابق خود با یک مرز بین‌المللی، به‌ویژه مرزهایی که قدرت‌های بیگانه در شکل دادن به آن سهیم بوده‌اند مشکل دارند (همانجا).

در جدول و الگوی شماره ۱، عناصر اصلی نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش که می‌توانند تجاوز کشور عراق را به خاک ایران در جهت دسترسی به منطقه خلیج فارس و مناطق حاشیه‌های آن تحلیل نمایند، ارائه شده است.

مرز خوب یا مرز بد وجود دارد و یا اینکه نارضایتی در مورد مرزها به خودی خود می‌تواند منشأ بی‌ثباتی در بین کشورها شود، بحث‌های مختلفی ارائه داشته‌اند. ژاک آنسل^۱، استاد صاحب‌نام جغرافیای سیاسی در اواسط سال‌های دهه ۱۹۳۰ خاطر نشان کرد که مشکلی تحت عنوان مرز وجود ندارد، مشکل فقط مشکل کشورهاست (اسکوفیلد، ۱۳۷۷: ۴۲). دیدگاه دیگری بر این باور است که اندازه و وسعت کشورها، به‌ویژه دشواری‌های ناشی از حمل و نقل و دسترسی به مسائل واقعی و استراتژیک و ژئوپلیتیک میدان می‌دهد. دیدگاه سومی نیز

جدول ۱. ماتریس نظریه‌ها

ردیف	نام نظریه پرداز	عناصر اصلی نظریه‌های مورد استفاده در تحقیق	مقایسه وضعیت ژئوپلیتیکی کشور عراق با این عناصر
۱	پیتر هاگت	۱. محصور بودن کشورها در خشکی؛ ۲. تلاش برای دستیابی به آب‌های آزاد؛ ۳. چگونگی تعیین مرزها در رودها و دریاچه‌های مرزی قابل کشتیرانی؛ ۴. وجود منابع مهم طبیعی از قبیل نفت یا اورانیوم و... در کشورهای هم‌جوار؛ ۵. تلاش برای حفظ موقعیت و قدرت خود از طریق فضای حیاتی موردنیاز	کشور عراق تمامی موارد ذکر شده در عناصر این نظریه را داراست فقط در بند چهارم خود نیز از منابع نفتی و گازی برخوردار است.
۲	آنسل	دشواری‌های ناشی از حمل و نقل و تلاش برای رفع آن از طریق تجاوز و تصاحب سرزمین کشورهای همسایه	کشور عراق با توجه به عدم دسترسی به آب‌های آزاد با مشکل حمل و نقل مواجه است و این عنصر با شرایط سرزمینی عراق کاملاً مطابقت دارد.
۳	هاوس هوفر	کوشش کشورها برای گسترش مرزهای خود به دلیل گرایش به توسعه‌طلبی	کشور عراق در طول تاریخ معاصر مرتباً سودای توسعه‌طلبی سرزمینی داشته و مرتباً به مرزهای ایران تجاوز نموده و پس از ۸ سال جنگ نیز به فکر تجاوز و تصرف کویت برآمد لذا بهره‌گیری از این نظریه نیز کاملاً منطقی است.
۴	راتزل	دستیابی به فضای وسیع برای زندگی	کشور عراق همواره سودای توسعه‌طلبی را داشته است و به‌منظور بهره بردن بخش‌هایی از کشور ایران تجاوزاتی را در مرزها انجام داده است.

روش انجام تحقیق

شیوه انجام این تحقیق کیفی و روش به کار گرفته شده بنابر ماهیت تاریخی بودن آن لزوماً اسنادی و با استفاده از تکنیک‌های فیش برداری و تحلیل محتوای متون انجام گرفته است. در این پژوهش تلاش شده برای پاسخ به پرسش اساسی تحقیق از منابع خارجی و داخلی استفاده شود.

الگوی شماره ۱: مدل نظری تحقیق

یافته‌های تحقیق

مروری اجمالی بر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

در جریان کنفرانس سران عضو اوپک که در ۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ در الجزایر تشکیل شد با میانجی‌گری هواری بومدین رئیس‌جمهور وقت الجزایر، ملاقاتی میان شاه ایران و صدام حسین معاون حسن البکر رئیس‌جمهور عراق به عمل آمد که نتیجه آن اعلامیه الجزیره بود. مفاد اعلامیه و معاهده الجزایر به این شرح است:

۱. طرفین، مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳م. و صورت‌جلسات ۱۹۱۴م. تعیین می‌کنند؛
۲. دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند؛
۳. طرفین متعهد می‌شوند که در مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد، اعمال کنند؛
۴. مقررات فوق عوامل تجزیه‌ناپذیری برای یک راه حل کلی است که در نتیجه نقض هریک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۲: ۱۹).

بروز جنگ میان اعراب و اسرائیل و فشار کردهای شمال عراق بر حکومت مرکزی عراق از یک طرف و حمایت غرب از محمدرضا شاه که به نیرومند شدن

قدرت نظامی ایران انجامیده بود صدام را ناگزیر به امضا قرارداد ۱۹۷۵ با شاه کرد. برای اجرای اعلامیه الجزیره، وزرای امور خارجه ایران، عراق و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد هم آمدند. بر اساس این قرارداد دو کشور توافق کردند که مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزها نیز کنترل دقیق و مؤثری به منظور رفع هرگونه نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد، اعمال کنند. این عهدنامه سه پروتکل ضمیمه و یک الحاقیه دارد. عهدنامه یادشده در قالب سه پروتکل و چهار موافقت‌نامه تکمیلی به تصویب قوه مقننه هر دو کشور رسیده است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

محدوده مکانی گستره تحقیق

خاورمیانه

گستره جغرافیایی خاورمیانه به واسطه تنوع و تعارض فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، سرزمینی، اقتصادی، سیاسی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ... از جمله بخش‌های بی‌ثبات و آشفته جهان است که در دیدگاه ژئوپلیتیک از این گستره با عنوان کمربند شکننده یاد می‌شود (کوهن، ۱۳۸۸: ۱۱۷). جالب این است که در مقیاس خرد، این شکنندگی در بسیاری از واحدهای سیاسی خاورمیانه نیز تداوم دارد؛ به نحوی که شاهد وجود حفره‌های دولت در بیشتر کشورهای آن هستیم. در خاورمیانه منافع و تمایلات فکری فرد، مقدم بر منافع و تمایلات فکری احزاب و نظام‌های اجتماعی و حکومتی است. در این کشورها حکومت بر کل جامعه حاکمیت دارد. جامعه ضعیف و حکومت قوی از یک طرف به ضرر توسعه اقتصادی و سیاسی و از طرف دیگر به تزلزل پذیری امنیت ملی منتهی می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۸۳: ۱۵). در این بخش جغرافیای سیاسی آشفته دولت‌ها به راهبرد

ژئوپلیتیک آنها جهت می‌دهد. از این رو یکی از مناطق بحران‌خیز دنیا است.

خلیج فارس

منطقه خلیج فارس در قلب خاورمیانه با مساحتی نزدیک به ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با اقیانوس هند در ارتباط است و نزدیک به ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی و ۳۰ درصد از ذخایر گاز شناخته شده جهان را در خود جای داده است. بیش از ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان، از تنگه هرمز می‌گذرد و سالانه حدود ۱۳ هزار شناور از طریق تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می‌شود. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، موجب شده است که این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۸: ۶۸). کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس قرار دارند که میزان دسترسی، وابستگی آنها به خلیج فارس و تنگه هرمز و در اختیار داشتن منابع هیدروکربنی باهم متفاوت است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

ملاحظات در مورد اروندرود

اروندرود در جنوب غربی ایران و هم‌مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید می‌آید. طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول این رود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است که در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۷۱). عرض این

رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمقی تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بنادر ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. از آنجاکه این رود میان دو کشور مشترک است طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور از حقوق یکسان برخوردار هستند و نحوه تعیین خط مرز بر رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض مقسم المیاه (خط مرزی نسبت به دو ساحل در وسط قرار می‌گیرد) و اگر قابل کشتیرانی باشد مرز مشترک به روش تالوگ است که به معنای خط‌القعر قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل است و این شیوه‌ای است که با توجه به مشخصات رودخانه اروند بایستی حاکم باشد؛ اما تا پیش از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر عراق ادعای مالکیت کامل بر تمامی رودخانه را داشت و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این در واقع ادعایی فاقد مبنای حقوق بین‌الملل است؛ زیرا بر اساس این فرض اروندرود جزء آب‌های داخلی عراق به‌شمار می‌آید که در این حالت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق حالت رودخانه مشترک مرزی دارند که در همه آنها خط منصف به‌عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. ولی عراق این استثناء غیرقانونی را برای اروندرود قائل بود. البته ریشه این ادعای عراق به قرار ۱۳ تیرماه ۱۳۱۶ بازمی‌گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروند به استثنای ۵ کیلومتری از آب‌های آبادان تا خط تالوگ (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر تمام اروندرود به استثنای آن ۵ کیلومتر، گسترش یافت (اردستانی، ۱۳۸۱: ۷۱).

با کودتای عبدالکریم قاسم در آذر ۱۳۳۸ اروندرود به

ترکیه واقع شده است. این کشور در مجموع ۳۶۵۰ کیلومتر مرز مشترک با دیگر کشورها دارد که از این میان ایران ۱۴۵۸ کیلومتر، اردن ۱۸۱، کویت ۲۴۰، عربستان سعودی ۸۱۴، سوریه ۶۰۵ و ترکیه ۳۵۲ کیلومتر با عراق مرز مشترک دارند. این کشور در خلیج فارس نیز ۵۸ کیلومتر ساحل دارد. عراق به چهار منطقه جغرافیایی قابل تقسیم است؛ صحرای غرب و جنوب غربی عراق، که قسمتی از صحرای سوریه است و با تپه‌های شنی و ماسه‌ای پوشیده شده‌اند و مناطق جلگه‌ای شمال که از ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد آغاز می‌شود و سرچشمه‌های رودهای دجله و فرات را در خود دارد. از ویژگی‌های این منطقه وجود وادی‌ها و دره‌های خشک است. سومین منطقه جغرافیایی عراق مناطق کوهستانی شمال و شمال غربی است که در واقع ادامه ارتفاعات توروس در ترکیه و زاگرس در ایران است. این منطقه که عمده مرزهای شمالی عراق را دربر می‌گیرد شامل چیزی حدود ۵ درصد خاک عراق است و در نهایت منطقه آبرفتی جنوبی عراق که در گذشته بین‌النهرین نامیده می‌شد منطقه‌ای حاصلخیز است که رودهای دجله و فرات در آن جریان دارند. در بالای محل اتصال دو رود ناحیه‌ای وسیع به وسعت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وجود دارد که نیزارهایی تا آن سوی مرزهای ایران را دربر می‌گیرد. بیشتر این نیزارها مرداب‌هایی دائمی را تشکیل می‌دهند که برخی از قسمت‌های آن در زمستان خشک می‌شوند. اندازه این مرداب‌ها کاملاً به حجم آب هدایت شده به درون آنها توسط این دو رود در فصول بارانی بستگی دارد. آب و هوای این کشور در عمده مناطق آن خشک صحرائی با زمستان‌های خشک و ملایم و تابستان‌هایی بسیار گرم است. البته مناطق کوهستانی شمالی آب و هوای سردی دارد و در بیشتر مواقع با بارش سنگین برف روبرو است. محیط‌زیست این کشور به‌طور عمده در اثر جنگ‌ها و منازعات در وضعیت نامناسبی قرار دارد و مردم این کشور در نتیجه از بین رفتن صنایع مادر از آب بهداشتی محروم‌اند. خاک و همچنین هوای این کشور نیز در اثر همین جنگ‌ها و منازعات به شدت آلوده به ذرات معلق فلزات سنگین و

بحرانی حاد در روابط ایران و عراق تبدیل شد. روابط دو کشور در شرایطی وارد بحران جدیدی شد که حسن‌البرکر، رئیس رژیم کودتای عراق، ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شوند بازرسی کنند. به دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق آبراه اروندرود را جزء جدایی‌ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم خود را از روی کشتی‌هایش پایین آورد. به دنبال این اقدام دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام کرد. این رویداد روابط دو کشور را تا حد برخورد نظامی پیش برد که با میانجی‌گری هواری بومدین، رئیس‌جمهور وقت الجزایر در جریان اجلاس سران اوپک، در این باره توافقاتی صورت گرفت. به موجب عهدنامه الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به عنوان خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد به‌ویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود بودند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از ۱۹۷۵ م. بازگردند (جعفری‌ولدانی، ۱۳۷۷: ۶۳). به گونه‌ای که عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با بهانه‌جویی‌ها و ایجاد درگیری‌های متعدد مرزی، در ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ به‌طور یک جانبه این عهدنامه را لغو کرد. همچنین صدام حسین در این باره اعلام کرد وضعیت حقوقی اروندرود باید به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ بازگردد و این رودخانه را جزء تمامیت عربی عراق اعلام کرد (همان: ۶۸).

بررسی موقعیت ژئوپلیتیک عراق

در توصیف وضعیت جغرافیایی عراق باید گفت این کشور مساحتی در حدود ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر دارد که در خاورمیانه، در سواحل شمالی خلیج فارس، شمال عربستان سعودی و کویت، غرب ایران، شرق سوریه و اردن و جنوب

این مناطق را به بهانه «اختناق و سرکوب ترکان» تأسیس «حکومت و دولت‌های ملی که اقتدار خود را از انتخاب آزاد و بی‌واسطه مردم بومی کسب کرده باشند» اعلام کردند، اما این تمام ماجرا نبود. در واقع قرار بود معاهده سایکس-پیکو سرنوشت این مناطق را تعیین کند. این معاهده که به شکلی مخفیانه میان انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۱۶ م. به امضاء رسیده بود مناطق نفوذ هریک از دو قدرت استعمارگر را در منطقه مشخص می‌کرد. در این میان عراق جزو مناطق تحت نفوذ انگلستان بود و از این‌رو رهایی آن از دست ترکان عثمانی نیز توسط نیروهای انگلیسی صورت گرفت. نکات بسیاری در توجیه علت توجه ویژه انگلستان به عراق در گزارش‌های مختلف آمده است که از آن جمله می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

- اولین و مهم‌ترین مسئله برای انگلستان تضمین امنیت هندوستان بود که لازمه این امر وجود نظم و ثبات در منطقه خلیج فارس بوده است. تسلط بر عراق می‌توانست تا حدود زیادی این تضمین را برای بریتانیا فراهم آورد، بخصوص اگر آن را در کنار نفوذ گسترده و قابل توجه بریتانیا در آن زمان در دستگاه حکومتی ایران در نظر گرفت.

- مسئله مهم دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد پدیده نفت است. تصمیم بریتانیا به تغییر سوخت نیروی دریایی خود از زغال به نفت و به دنبال آن تلاش برای یافتن منبعی نزدیک‌تر از خلیج مکزیک برای تأمین نیاز این کشور به نفت، سیاستمداران این کشور را متوجه خاورمیانه و بخصوص ایران و عراق ساخت. در دست گرفتن ۵۱ درصد سهام شرکت‌های نفتی فعال در این دو کشور از سوی دولت بریتانیا نشان دهنده اهمیت فوق‌العاده‌ای است که نفت در تعیین سیاست‌های بریتانیا در خاورمیانه و بخصوص در قالب این دو کشور دارد (همان: ۱۰۹). در همه این موارد می‌توان ردپایی از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عراق یافت. این موضوع از یک سو نشان از اهمیت ژئوپلیتیک این کشور دارد و از سوی دیگر از چالش‌های احتمالی که این کشور می‌تواند با

دیگر ذرات خطرناکی است که به آنها وارد شده و با وجود آنکه کشاورزی قسمت عمده اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد زمین‌های قابل کشت اغلب دچار ضعف در باروری شده‌اند و به‌وسیله بیابان‌زایی و فرسایش خاک تهدید می‌شوند. توزیع جمعیت در این کشور یکنواخت نیست و تراکم آن در حاشیه رودها بیشتر است اما به‌طور میانگین در هر کیلومتر مربع ۵۸/۵ نفر زندگی می‌کنند. جمعیت این کشور به‌شدت به سمت شهری شدن پیش می‌رود و درصد شهرنشینی در آن از ۶۹ درصد در ۱۹۸۵ م. به ۷۹ درصد در سال ۲۰۰۵ م. رسیده است. در تقسیم‌بندی قومیتی ۸۰-۷۰ درصد ساکنان عراق عرب هستند، ۲۰-۱۵ درصد کُرد و ۵ درصد باقی‌مانده را ترکمن‌ها، آشوری‌ها و دیگر اقوام تشکیل می‌دهند. ۹۷ درصد جمعیت آن مسلمان هستند که ۶۵-۶۰ درصد آنها را شیعیان و ۳۷-۳۲ درصد دیگر را اهل سنت و ۳ درصد باقی‌مانده را مسیحیان و دیگر مذاهب به خود اختصاص می‌دهند. وجود قومیت‌ها و مذاهب مختلف و حتی متعارض در این کشور خود عامل ایجاد نابسامانی‌های گوناگون در این کشور بوده است. این مسئله تا بدان حد برای رهبران عراقی در دوره‌های مختلف عذاب‌آور بود که به‌عنوان نمونه، ملک فیصل از فقدان هویت ملی در عراق چنین اظهار تأسف می‌کند: «من با قلبی پراندوه اقرار می‌کنم که هنوز در عراق فرد عراقی وجود ندارد». ادامه وجود نگاه قومی در میان مردم عراق عملاً این کشور را تبدیل به زنجیره به هم پیوسته‌ای از واحدهای مستقل و حتی رقیب اجتماعی کرده است که نه‌تنها انگیزه همکاری در راه آبادانی عراق را از دست می‌دهند بلکه حتی به گرایش‌های واگرایانه نیز دامن می‌زنند (علوی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

پیروزی نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول و تلاش آنها برای گسترش نفوذشان در مناطق عرب‌نشین تجزیه امپراتوری عثمانی را به عنوان راه‌حل مناسبی پیش روی آنها نهاد. انگلستان و فرانسه آن‌گونه که از بیانیه مشترک آنها در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۸ م. برمی‌آید هدف خود از دخالت در

با کویت) و جزیره آبادان قرار می‌گیرد. با احتساب طول آبراه خورعبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفت‌کش‌ها قابل استفاده نیست. همین مسئله یکی از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی است، به شکلی که رفتار سیاسی - نظامی این پرجمعیت‌ترین کشور عربی خلیج فارس را متأثر کرده و بازدارنده جدی بازیگری در این منطقه ژئوپلیتیک است و چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به صورت هدفی آرمانی برای آن کشور در آورده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۷). از این رو، گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف راهبردی عراق بود که این موضوع مهم از طریق پیوست خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست‌کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی وریه و بویان امکان‌پذیر است.

عراق از جنوب از طریق خلیج فارس با آب‌های آزاد ارتباط دارد ولی تنها کشور حاشیه‌ای خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد. همین مسئله یکی از مشکلات عراق از حیث اقتصادی، نظامی و استراتژیک است که به‌گونه‌ای بر رفتارهای سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته است. ساحل عراق در خلیج فارس از دهانه فاو در دهانه اروندرود شروع شده و تا بندر ام‌القصر در منتهی‌الیه خورعبدالله و مرکز کویت به طول ۴۸ کیلومتر ادامه دارد. تنها بندر مهم و قابل ورود به عراق در این ساحل بندر ام‌القصر است (عزتی، ۱۳۸۱: ۲۷). عراق با توجه به طول اندک سواحل اندک خود در خلیج فارس نمی‌تواند نقش عمده‌ای را در خلیج فارس ایفا کند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۷: ۲۹۶). به‌صورتی که در طول جنگ عراق و ایران، نیروی دریایی عراق به واسطه اینکه از یک موقعیت ژئواستراتژیکی مناسبی برخوردار نبود، کاملاً محبوس بود و توان آشکار ساختن توان نظامی

توجه به موقعیت ویژه خود با آن روبرو شود خبر می‌دهد. در مقابل، نحوه شکل‌گیری مرزهای این کشور نیز متأثر از منطقی ژئوپلیتیک بوده است (همانجا).

در سال ۱۹۳۲ م. قیمومیت انگلستان بر عراق پایان یافت و این کشور رسماً به استقلال رسید در سال ۱۹۴۱ م. رشید عالی گیلانی با کودتا، زمام قدرت در عراق به دست گرفت اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ م. حکومت خاندان هاشمی بر آن حاکم بود. سرانجام در همان سال رژیم پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون شد و رژیم جمهوری بر روی کار آمد. چند سال بعد، حزب بعث این کشور علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را در این کشور به دست گرفت. از آنجا که علت وجودی این کشور در پیوند با خواست همگانی نبوده و عمدتاً ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای (انگلستان و فرانسه) داشته است، از هنگام پیدایش، نیروی نظامی رویکرد سخت‌افزاری و اندیشه نظامی محور در سازماندهی فضای سیاسی و راهبردهای ژئوپلیتیکی آن نقش کانونی داشته است. به‌طوری که با به قدرت رسیدن حزب بعث تاکنون، عراق چند سال متوالی از آرامش داخلی و صلح با همسایگان را تجربه نکرده است. ناهمگونی جمعیت از منظر زبانی، فرهنگی، دینی، مذهبی، عدم مشارکت سیاسی، فقدان سابقه‌ای از تساهل و مدارا، خودکامگی نظام‌های سیاسی، سرکوبی مخالفان، شورش‌های داخلی و ... از جمله حفره‌های دولت در این کشور بوده‌اند که به جغرافیای سیاسی و درنهایت راهبرد ژئوپلیتیک عراق جهت و معنا داده‌اند. از سوی دیگر، عراق وارث یکی از چالش‌برانگیزترین کرانه‌ها از نظر وسعت و ناکارآمدی در شمال غربی خلیج فارس است.

بررسی وضعیت دسترسی عراق به آب‌های آزاد

طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است که در فاصله خورعبدالله (مرز مشترک عراق

خود را نداشت. به همین جهت است که عراق ادعا می‌کند که حاکمیت مطلق آن کشور بر اروندرود و جزایر وره و بوبیان، موجب دسترسی آزادانه آن کشور به خلیج فارس می‌شد (همان: ۲۷۶).

دسترسی آسان و گسترده به آب‌های آزاد خلیج فارس، در مقام فضای حیاتی و آرمان نظام‌های سیاسی به‌ویژه ایدئولوژیک این کشور عمل کرده و به رفتار سیاسی عراق جهت و معنا داده است. این وضعیت سبب شده است تحدید مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد هرگز عملی نشود؛ زیرا عراق به دلیل وضعیت نامساعد کرانه‌ای انگیزه‌ای برای حل مسئله ندارد و منافع خود را در عدم حل و فصل آن ارزیابی می‌کند. وضعیتی که دستاویزی برای تنش و مشاجرات سال‌های آینده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۴۸). با این حال، در دهه ۱۹۷۰م. که ایران با حمایت غرب ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد بر اساس معاهده ۱۹۷۵م. الجزایر، حاکمیت ایران بر بخش باختری اروندرود را بپذیرد. موقعیت راهبردی عراق در خاورمیانه، جایگاه ویژه‌ای برای کشور یاد شده ایجاد کرده است؛ ولی عدم دسترسی مستقیم به آب‌های خلیج فارس، باعث نارضایتی مسئولان عراق و گسترش رفتار خصمانه آن کشور با ایران شده است. بر این اساس سیاست این کشور همسایه، همواره بر پایه منازعات ارضی با ایران بوده است (دهنوی، ۱۳۸۳: ۴۱).

انگیزه‌های کشور عراق در تصرف خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، گستره مانور این کشور را از منظر نظامی، اقتصادی در خلیج فارس محدود می‌کرد. تا جایی که از آغاز استقلال، دسترسی آسان و گسترده به آب‌های خلیج فارس، پیوسته در زمره رؤیاهای رهبران آن کشور به‌شمار می‌رفت. زمامداران بغداد از این چالش ژئوپلیتیکی همواره چند گزینه پیش روی خود دیده‌اند: ۱. حاکمیت بر خوزستان؛

۲. حاکمیت انحصاری بر آب‌های اروندرود؛

۳. در اختیار داشتن کویت یا حداقل دو جزیره وره و بوبیان (ولایتی، ۱۳۹۲: ۵۷).

وجود اقلیت عرب خوزستان از همان آغاز پیدایش کشور عراق، این استان را کانون توجه و مداخلات زمامداران بغداد قرار داد. به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. عراق تلاش می‌کرد با القاء آموزه‌های پان‌عربیسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. به باور آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود گیرد. از دیگر سو خوزستان به دلیل وجود کانون‌های اقتصادی و نفتی، داشتن بندرهای آبادان، خرمشهر (با دسترسی از رود بهمنشیر)، ماهشهر، امام خمینی (ره) و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند که عموماً از پرآب‌ترین رودهای ایران هستند به جلگه خوزستان قابلیت کشاورزی فراوانی بخشیده‌اند، منزلت ژئوپلیتیک خاصی داشت. تصرف این استان می‌توانست افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس مخازن و منابع سرشار نفت منطقه را در اختیار عراق قرار دهد (حسینی، ۱۳۷۸: ۳۴). عراق از نظر دسترسی به آب‌های آزاد، در وضعیت نامساعد قرار دارد و همیشه در صدد بوده تا بتواند محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد را جبران کند و این موضوع یک زمینه بالقوه تولید بحران برای ایران بوده است. با عنایت به نقش دریاها در عصر حاضر و با توجه به وضعیت جغرافیایی نامساعد کشور عراق، مشخص می‌شود که یکی از علت‌های بحران، درگیری و توطئه حاکمان عراق، در محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد است (صادقیان، ۱۳۸۷: ۱۲).

تصرف و تجزیه قلمرو ارضی ایران

حکومت بعث عراق با بلندپروازی و جاه‌طلبی صدام در صدد ارتقای موقعیت ژئوپلیتیک خود بود. آنها بر این

از خوی جاه طلبی خود درصدد برآمد تا قرارداد الجزایر را که با امضای شخص او صورت گرفته بود نادیده بگیرد و همچنین به منظور تحقق آرزوهای قدیمی اش در زمینه ثبت شدن نامش در تاریخ از طریق یک اقدام بزرگ نظامی مایل بود با ایران وارد جنگ شود (پیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۷۴). افزون بر آن، به قدرت رسیدن نظام اسلامی در ایران، در دو بُعد منطقه‌ای و جهانی موجب نگرانی کشورهای منطقه و عموم کشورهای غربی به ویژه ایالات آمریکا، انگلیس و فرانسه شده بود و حزب بعث توسعه طلب عراق اطمینان داشت فرصت طلایی برای بازگرداندن حاکمیت و سلطه بر اروندرود و برطرف کردن مشکل ژئوپلیتیکی کشور عراق با دسترسی به قسمتی از سواحل شمال غربی خلیج فارس و آزاد کردن عرب‌زبان‌های استان خوزستان از تابعیت ایران فرا رسیده است (سامرای، ۱۳۸۸: ۵۸).

با حرکت و جابه‌جایی گسترده و استقرار نیروهای ارتش بعثی عراق در خطوط مرزی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ م. (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) شب‌هنگام نمایندگان مجمع ملی عراق برای تشکیل جلسه‌ای فوق‌العاده دعوت شدند و صدام حسین فرمانده کل قوا طی سخنرانی مفصلی، لغو قرارداد ۱۹۷۵ م. الجزایر را که خود امضا کرده بود، اعلام کرد (پیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۷۹). وی در این جلسه توضیح داد که چون زمامداران ایران با مداخله آشکار در امور داخلی عراق با پشتیبانی و مسلح کردن شورشیان کرد، قصد براندازی نظام ما را دارند لذا همان‌طور که شاه از استرداد اراضی عراق خودداری کرد و ما ناگزیر شدیم همان سرزمین‌ها را (منظور صدام مناطق زین‌الکش و میمک است که در ۱۷ و ۱۹ شهریور اشغال کردند) به زور آزاد کنیم، بنابراین در مقابل شما اعلام می‌کنم که قرارداد ۱۹۷۵ م از طرف ما ملغی است. او در مصاحبه تلویزیونی قرارداد را در مقابل چشم بینندگان تلویزیون پاره کرد و گفت ما این تصمیم تاریخی را برای به دست آوردن حاکمیت بر اراضی و آب‌های خود گرفتیم و علیه هر کس که بخواهد با این تصمیم مشروع ما مخالفت

باور بودند که محدودیت‌های ژئوپلیتیک، قدرت و منافع ملی عراق را محدود کرده است. با وقوع انقلاب اسلامی، حکومت بعث گمان می‌کرد ایران بستر مناسبی برای تحقق این هدف است؛ چراکه توان این کشور نوپا اندک است و جنگ به زودی با تأمین اهداف عراق پایان می‌پذیرد. عراق در این جنگ افزون‌بر حاکمیت بر اروندرود، تجزیه خوزستان و اشغال جزایر تنب کوچک و بزرگ را نیز جزء اهداف خود تعریف کرده بود.

این اهداف تعریف شده می‌توانستند محدودیت ژئوپلیتیکی عراق را رفع نمایند؛ چراکه اعمال حاکمیت بر اروندرود دسترسی این کشور به خلیج فارس را تسهیل می‌کرد و موجب استفاده آزادانه از بنادر عراق و صدور نفت عراق بدون نگرانی می‌شد. همچنین با این تصرفات سواحل عراق در خلیج فارس گسترش می‌یافت و کمک می‌کرد تا عراق به صورت یک قدرت منطقه‌ای درآید. هدف از اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی نیز در راستای اهداف ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی پیشین مطرح بود. همچنین تصرف بخش‌هایی از مناطق مرزی غربی ایران بر عمق استراتژیک عراق می‌افزود و دفاع از بغداد و شهرهای نفت‌خیز را آسان می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۳۵). با فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران در دستور کار سران رژیم بعث عراق و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا قرار گرفت.^۱

صدام حسین که پیش از این در برابر اسناد مسلم تاریخی ایران مجبور به پذیرش حاکمیت بر آبراه مشترک مرزی اروندرود بر اساس خط تالوگ شده بود، به دلیل برخورداری

۱. در جهت وضعیت نظامی، صدام حسین در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ در مصاحبه با رسانه‌های خبری که در روزنامه السیاسیه عراق تیتراژ شده، اعلام کرد: «اکنون ما نیروی نظامی کامل فراهم کرده‌ایم و توان بازپس‌گیری ۳ جزیره اشغال شده توسط ایران را داریم». همچنین در ۱۲ مرداد ۱۳۵۹ در کنفرانس سران عرب در طائف عربستان گفت: «حمله نظامی به ایران برای ارتش قهرمان عراق یک تفریح نظامی است».

۴. تصرف استان خوزستان و اشغال مناطق عرب‌نشین این استان (همان: ۷۸).

برخلاف پیش‌بینی‌های نادرست سران حکومت عراق با توجه به همبستگی و روحیه وطن‌پرستی، جهاد و شهادت‌طلبی ملت ایران و تاکتیک‌های منحصر به فرد تمامی نیروهای مسلح کشور، حمله ناجوانمردانه عراق به ایران در همان روزهای اول تا حد بسیار زیادی سرکوب شد و هرچند بخش‌های ناچیزی از کشورمان را اشغال کرد اما با رشادتهای فراوان نیروهای مسلح و مردمی طی مراحل مختلف و زودهنگام باز پس گرفته شدند و افزون بر آن قسمت‌های مختلفی از خاک عراق نیز به تصرف رزمندگان ایران درآمد و در نهایت علی‌رغم اینکه جنگ بین دو کشور ۸ سال به طول انجامید ولی استراتژی حمله عراق به ایران در رسیدن به اهدافش با شکست مواجه شد. در بررسی عوامل شکست عراق در دست‌یابی به اهداف اعلام شده‌اش، افزون بر ایمان و اعتقاد رزمندگان ایرانی، عوامل دیگری از قبیل ناامیدی حامیان صدام از سقوط جمهوری اسلامی، مردمی شدن جنگ و سرانجام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران نیز بی‌تأثیر نبود. نتیجه آن شد که عراقی‌ها ۸ سال پس از شروع جنگ در همان نقطه اولیه آغاز قرار داشتند. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات استراتژی که عراق برای آغاز طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ پس از جنگ جهانی دوم مرتکب شد، ارزیابی نادرست از میزان توان دفاعی ایران بود. به بیان عامیانه اشتباه عراق این بود که «لقمه‌ای بسیار بزرگ‌تر از دهانش» برداشته بود.

علی‌رغم مشکلات سازمان‌دهی و هماهنگی، نیروی هوایی ایران در همان ابتدای جنگ به حکومت عراق نشان داد که نمی‌تواند منتظر یک پیروزی سریع و ارزان باشد. خلبانان ایرانی تلاش بیشتری در دفاع نسبت به خلبانان عراقی از خود نشان دادند و ضربات سنگینی به خصوص به تأسیسات نفتی شمال عراق و نزدیک

کند با تمام قدرت و شایستگی، مقابله خواهیم کرد (پارسا دوست، ۱۳۶۹: ۵۲۵). نوک پیکان حملات عراق، متوجه منطقه خوزستان بود. اشغال این منطقه برای عراق چند فایده داشت:

۱. عراق با اشغال خوزستان و بوشهر می‌توانست مرز دریایی خود را به میزان زیادی گسترش داده، از بن‌بست ژئوپلیتیک خارج شود و نفوذ خود را به راحتی در خلیج فارس وسعت بخشد؛

۲. منطقه بسیار حاصلخیز خوزستان دارای معادن عظیم نفت و گاز بود و اشغال چنین سرزمینی، هم باعث نفوذ شدید عراق در بازار نفت می‌شد و هم تصرف جلگه پر آب و سرسبز خوزستان وسعت کشور عراق را افزایش می‌داد؛

۳. با توجه به اینکه مردم خوزستان، عمدتاً عرب‌زبان‌اند، صدام تصور می‌کرد اگر به ایران حمله کند، مردم عرب‌زبان به استقبال او می‌آیند و به حمایت از ارتش بعث عراق برمی‌خیزند (پیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۶۶).

به‌طور یقین اشغال استان خوزستان هدف راهبردی سران کشور عراق و آمریکا بود، در حالی که از استان خوزستان کمتر از یک پنجم آن و از ۲۶ شهر این استان فقط دو شهر خرمشهر و بستان اشغال شد و دشمن به شهرهای بزرگ و کوچک و همچنین ذخایر زیرزمینی این استان که عمدتاً در شرق رودخانه‌های کارون و کرخه هستند دسترسی پیدا نکرد و رؤیای تصرف اهداف بزرگ در کوتاه مدت و به سهولت به افسانه‌ها پیوست (همان: ۹۴). به‌طور کلی اهداف تهاجم ارتش عراق به منطقه جنوب را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کنیم:

۱. کنترل کامل اروندرود با تصرف خرمشهر و جزیره آبادان؛
۲. دسترسی به سواحل شمال غربی خلیج فارس با تصرف بنادر امام و ماهشهر؛
۳. تصرف منابع مهم نفت و گاز با هدف تضعیف و نابودی اقتصاد ایران؛

به بروز جنگی، چون جنگ هشت‌ساله با ایران منجر نشده بود، به تحولات سیاسی - نظامی آن دوره و به نقش و موقعیت کشورهای همسایه عراق بازمی‌گشت. به جز ترکیه و ایران، چهار همسایه عراق جزء کشورهای عرب بودند و هرگونه اقدام نظامی علیه آنها با واکنش شدید جهان عرب روبه‌رو می‌شد، از سوی دیگر، این کشورها موقعیت بین‌المللی مستحکمی داشتند و در جهان دو قطبی آن زمان، ابرقدرت‌های شرق و غرب از کشورهای بلوک خود به شدت حمایت می‌کردند. هرچند ایران دوره پهلوی با توجه به توان نظامی بالا و موقعیت بین‌المللی مطمئنی که در مقام ژاندارم منطقه داشت، به رژیم عراق اجازه توسعه‌طلبی نمی‌داد، اما سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی به همراه تغییر معادلات منطقه‌ای جهانی و آشوب و هرج و مرجی که در اثر پیروزی انقلاب در ایران پدید آمده بود، فرصت مناسبی را برای رژیم عراق به منظور جامه عمل پوشاندن به طرح‌های جاه‌طلبانه آنها فراهم آورد. بدین ترتیب، جنگی که خسارت‌های جانی و مالی فراوانی برای دو کشور داشت، آغاز شد.

در هر صورت تنگنای ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی به آب‌های آزاد نقش محوری در سیاست خارجی این کشور در دوران حیات این دولت داشته است. به عبارتی، حکومت عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب‌های آزاد از طریق اروندرود و خوزستان تشخیص داده است. هرکدام از این موارد سال‌ها مورد مناقشه سیاست خارجی عراق بوده‌اند. از نظر نگارندگان این مقاله با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و تغییرناپذیر بودن مؤلفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی آن، رفتار سیاست خارجی این کشور همواره بر پایه چالش‌ها و تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور طراحی و ترسیم می‌شود، بنابراین تفاوتی بین رویکرد خارجی دولت‌هایی که بوده یا در آینده خواهند آمد

کرکوک وارد کردند. خلبانان ایرانی انگیزه و روحیه تهاجمی بیشتری برای قبول خطر داشتند؛ بنابراین در مجموع در نبرد هوایی، نیروی هوایی ایران نتایج بهتری نسبت به نیروی هوایی عراق به دست آورد. در نبرد زمینی واکنش‌های ارتش عراق کند بود. در تمام حملات ایران، تنها واکنش نظامی و استراتژی جنگی عراق، تلاش برای عقب زدن نیروهای ایرانی با آتش مستقیم بود. در نبرد دریایی نیز ایران در ۵۲ روز ابتدای جنگ و طی عملیات مروارید، نیروی دریایی عراق را به کلی منهدم کرد و تا پایان جنگ برتری خود را در خلیج فارس حفظ کرد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به رویکرد نظری این تحقیق و بررسی منابع مختلف مشخص شد که هرچند برای وقوع جنگ هشت‌ساله، علل و عوامل مختلفی وجود دارد اما اختلافات مرزی و توسعه‌طلبی ارضی حکومت عراق، یکی از تاریخی‌ترین عوامل و دست‌یابی به سواحل وسیع و منابع غنی خلیج فارس از اصلی‌ترین انگیزه‌های این رژیم برای آغاز جنگ با ایران و یکی از اساسی‌ترین اصول حزب بعث به‌شمار می‌آید. توسعه‌طلبی ارضی همواره یکی از ارکان اصول سیاست خارجی حکومت بعثی عراق بود. این توسعه‌طلبی، تنها در رابطه با مناطق تحت حاکمیت ایران مصداق پیدا نمی‌کرد، بلکه دولت عراق در قبال دیگر همسایگان خود نیز چنین سیاستی را دنبال می‌کرد. تجاوز و اشغال کویت پس از ناکامی در دست‌یابی به منطقه خوزستان و خلیج فارس طی جنگ هشت‌ساله از مهم‌ترین مصادیق این مدعاست. توسعه‌طلبی ارضی یکی از استراتژی‌های سیاست خارجی حکام بعثی عراق در قبال همسایگان خود، از جمله ایران بود؛ حربه‌ای که دولتمردان عراقی در مقاطع مختلف زمانی علیه همسایگان خود از آن بهره می‌گرفتند، اما اینکه چرا این ادعاها تا آن زمان

وجود ندارد و این چالش به‌عنوان یکی از تهدیدهای بالقوه برای نظام جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند که نیاز به هوشیاری و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری و یا رویارویی لازم در مقابل این پیش‌آمد احتمالی از سوی مسئولین کشور را دارد.

منابع

- اردستانی، حسین. (۱۳۸۱). «ایران، تعامل جنگ و سیاست خارجی». فصلنامه نگین ایران. سال ۱، شماره ۳.
- اسکوفیلد، ریچارد. (۱۳۷۷). «مناقشات مرزی در خلیج فارس». فصلنامه گفتگو. شماره ۲۱. ص ۴۱-۵۰.
- اقتداری، احمد. (۱۳۹۶). «خلیج فارس، دریای داخلی ایران (گفتگو با استاد احمد اقتداری)». فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس. سال ۲، شماره ۸. ص ۷-۱۷.
- پارسادوست، منوچهر. (۱۳۶۹). نقش عراق در شروع جنگ همراه با: بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث. تهران: انتشارات باز. چاپ چهارم.
- پیری، هادی مراد و شربتبی، مجتبی. (۱۳۹۲). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس. تهران: انتشارات سمت.
- پیشگاه هادیان، حمید. (۱۳۸۸). مناسبات جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و عراق پس از ۱۱ سپتامبر. تهران: مرکز پژوهش‌های استراتژیک.
- جعفری‌ولدانی، اصغر. (۱۳۷۷). کانون‌های بحران در خلیج فارس. تهران: انتشارات کیهان.
- حافظ‌زیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسینی، حسین. (۱۳۷۸). بررسی وقوع جنگ ایران و عراق. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: نشر قومس.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- دهنوی، نظام‌علی. (۱۳۸۳). «روابط سیاسی ایران و عراق در عصر حاکمیت عبدالکریم قاسم (۱۹۶۳-۱۹۵۸)». فصلنامه تاریخ روابط خارجی. شماره ۱۹. ص ۴۱-۷۲.
- رضایی، علیرضا. (۱۳۸۴). زمینه‌های انعقاد قرارداد ۱۹۷۵

الجزیره و تأثیر آن بر موقعیت کردهای عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- سامرای، وفیق. (۱۳۸۸). ویرانی دروازه شرقی. ترجمه عدنان قارونی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر کتاب چهره جدید امنیت در خاورمیانه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- صادقیان، نادعلی. (۱۳۸۷). «بررسی اجمالی حقوق ایران در اروندرود بر مبنای قوانین بین‌المللی و اسناد موجود». فصلنامه گنجینه. شماره ۷۰. ص ۱۱-۲۰.

- طلوعی، محمود. (۱۳۷۰). جنگ خلیج فارس و آینده خاورمیانه. تهران: انتشارات تهران.

- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

- علوی‌پور، سیدمحسن. (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۵۷. ص ۱۰۵-۱۲۲.

- کوهن، سائول برنارد. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک نظام جهانی. ترجمه: عباس کاردان. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تربیت معلم.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نی. چاپ هفدهم.

- مشکور، محمود. (۱۳۵۳). نام خلیج فارس در طول تاریخ. تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.

- منصوری لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۸۲). تاریخ دفاع مقدس. قم: انتشارات خادم الرضا.

- موسوی، سید مسعود. (۱۳۸۲). «نقش توسعه‌طلبی ارضی رژیم بعث در وقوع جنگ ایران و عراق». فصلنامه نگین ایران. شماره ۵.

- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۰). «امنیت پایدار در خلیج فارس، موانع و سازوکارها». فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. دوره ۷. شماره ۲۱. ص ۱۳۶-۱۶۷.

- هاگت، پیترو. (۱۳۷۵). جغرافیا؛ ترکیبی نو. ترجمه شاپور گودرزی. تهران: انتشارات سمت.